

امکان‌سنجی ارتقای کیفی منظر جوامع زیستی حاشیه تالاب‌ها براساس رویکرد اکولوژی ژرف‌نگر (مورد‌سنجی: روستای صراخیه در حاشیه تالاب شادگان)

منا رستگار نیا (کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه تربیت مدرس)

مهدی حقیقت بین* (استادیار گروه معماری دانشگاه تربیت مدرس)

کیانوش سوزنجی (استادیار گروه معماری دانشگاه تربیت مدرس)

DOR: [20.1001.1.23452277.1400.11.38.5.2](https://doi.org/10.23452/277.1400.11.38.5.2)

چکیده

مناظر و مجتمع‌های زیستی پیرامون تالاب‌ها، از جمله مناطقی هستند که علی‌رغم وجود وابستگی و ارتباط متقابل میان ساکنان آن‌ها و تالاب و بهره‌مندی از خدمات متنوع این اکوسیستم طبیعی، در رویکردهای مطرح در جهت حفاظت و احیای تالاب‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ به‌گونه‌ای که توجه و تأکید بر ابعاد کمی و بیولوژیک تالاب موجب غفلت از نیازهای جوامع پیرامون تالاب و ابعاد کیفی زندگی آن‌ها شده‌است. این امر در درازمدت نه تنها تأثیر چندانی بر حفاظت و احیای تالاب‌ها نداشته، بلکه می‌تواند تهدیدی جدی برای جوامع زیستی که زندگی‌شان وابسته به تالاب‌هاست، باشد؛ از این‌رو اتخاذ رویکردی کل‌نگر که به همه ابعاد کمی و کیفی موجود در یک منظر به طور همزمان توجه کرده و در پاسخگویی به نیازهای جوامع مؤثر واقع شود، امری ضروری است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و از طریق مطالعات کتابخانه‌ای به دنبال امکان‌سنجی استفاده از مدل اکولوژی ژرف‌نگر در جهت ارتقای کیفی منظر مجتمع‌های زیستی حاشیه تالاب‌ها است؛ در این راستا ابتدا مفاهیم و پایه‌های ۸ گانه اکولوژی ژرف‌نگر از طریق مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری و سپس مدل پیشنهادی براساس ۸ پایه اصلی اکولوژی ژرف‌نگر ارائه شد. مدل مذکور در جهت امکان‌سنجی در روستای صراخیه واقع در حاشیه تالاب شادگان در استان خوزستان به کار گرفته شد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که مدل اکولوژی ژرف‌نگر با تکیه بر پایه‌های اصلی خود، توصیه‌ها و ارزش‌هایی را در جهت بهره‌مندی مناسب از محیط‌زیست در قالب سه مؤلفه شناخت، برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های حفاظتی و توسعه‌ای و نظارت و مشارکت ذی‌نفعان ارائه می‌دهد که موجب ایجاد رابطه‌ای متعادل میان انسان و طبیعت شده و ضمن پاسخگویی به نیازهای زیست‌محیطی، از طریق ارائه راهکارهایی در زمینه جذب اکوتوریسم، آموزش‌های زیست‌محیطی، نمایش سبک و شیوه زندگی جوامع زیستی حاشیه تالاب و... در رشد اقتصادی جامعه، حفظ و احیای ارزش‌های فرهنگی-معنوی بستر مؤثر واقع شده و بدین طریق موجب ارتقای کیفی منظر جوامع زیستی حاشیه تالاب می‌شود.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۵ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۸ بهمن ۱۳۹۹

صفحات: ۹۷-۱۱۶



کلید واژه‌ها:

تالاب، مجتمع زیستی، ارتقای کیفی، اکولوژی ژرف‌نگر.

* نویسنده مسئول: دکتر مهدی حقیقت بین

پست الکترونیک: haghighatbin@modares.ac.ir

مقدمه

علم چندرشته‌ای در نظر می‌گیرد» (حاج غنی و احمدی، ۱۳۹۴: ۶۱). در این دیدگاه روابط میان انسان و طبیعت از روابط بیولوژیکی فراتر رفته و انسان را با همه ابعاد مادی و معنوی‌اش به عنوان جزئی از محیط پیرامون در نظر می‌گیرد. هدف از این دیدگاه، توجه به همه ابعاد موجود در یک منظر در جهت دستیابی به اهداف توسعه پایدار است؛ به گونه‌ای که «تعادل میان محیط طبیعی و اکوسیستم‌ها (شامل همه ساکنان) را حفظ کرده، به ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی به‌طور همزمان توجه کند و امکان بهره‌مندی از کیفیت بهتر زندگی را برای همه جوامع فراهم آورد» (Masnavi, 2013: 996). در واقع دیدگاه کل‌نگر در تلاش است تا با ایجاد رابطه‌ای متعادل میان انسان و طبیعت ضمن حفاظت و احیای ارزش‌های زیست‌محیطی، به نیازهای جوامع انسانی به عنوان یکی از ساکنان منظر پاسخ داده و در دستیابی به توسعه پایدار و ارتقای کمی و کیفی منظر مؤثر واقع شود (نمودار ۱).

«منظر، مجموعه گسترده‌ای از سیستم‌های فرهنگی و اکولوژیکی را در یک بافت پیچیده از تغییرات در اثر عوامل طبیعی و ساکنان به هم متصل ساخته و منتقل می‌کند» (بمانیان و احمدی، ۱۳۹۳: ۶)؛ از این رو شناخت سیستم‌های اکولوژیکی در جهت حفاظت و توسعه منظر و دستیابی به توسعه پایدار حائز اهمیت است و علم اکولوژی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. «دانش اکولوژی به معنای مطالعه روابط متقابل بین موجودات زنده شامل گیاهان و جانوران و محیط زندگی آنهاست» (حاج غنی و احمدی، ۱۳۹۴: ۶۱). «به‌طور کلی دو دیدگاه متفاوت در خصوص بهره‌گیری از این دانش در منظر وجود دارد. دیدگاه نخست که دیدگاهی جزئ‌نگر است، اکولوژی را شاخه‌ای از علم بیولوژی دانسته و بر این باور است که «طراحی باید براساس فرایندهای طبیعی صورت گیرد که از طریق علوم طبیعی و شیوه عقلانی قابل‌درک باشد» (Lister, 1994: 14). در این دیدگاه رابطه میان انسان و طبیعت صرفاً رابطه‌ای مادی و کمی است و اغلب بر روابط بیولوژیکی میان اجزا تأکید می‌شود. دیدگاه دوم که دیدگاهی کل‌نگر است، اکولوژی را «به‌عنوان یک



نمودار ۱. مقایسه رویکردهای اکولوژی در معماری منظر،

(منبع: نگارندگان برگرفته از Liste, 1994؛ حاج غنی و احمدی، ۱۳۹۴؛ Masnavi, 2013)

صورت گرفته است. آرن نایس و جرج سیژنز^۴ (۱۹۸۴)، در مقاله مشترکی با عنوان «اصول پایه اکولوژی ژرفنگر^۵» به بیان مختصری از ۸ پایه اصلی اکولوژی ژرفنگر پرداختند. جرج سیژنز (۱۹۹۵)، کتاب «اکولوژی ژرفنگر برای قرن ۲۱» را در ۶ بخش ارائه کرد. این کتاب شامل ۳۹ مقاله از نویسندگان و متفکران برجسته در زمینه اکولوژی ژرفنگر است. در سال ۱۹۸۵، جرج سیژنز به همراه بیل دیوال^۶ کتابی با عنوان «اکولوژی ژرفنگر: زندگی به شیوه‌ای که طبیعت اهمیت دارد^۷» به چاپ رساندند. محور اصلی کتاب محک خردمندانانه بحران‌ها و تلاش برای روشن کردن نیازهای حیاتی انسان‌ها است. از جمله پایان‌نامه‌های ارائه شده در این زمینه توسط چلسی آ ولکر^۹ (۲۰۱۳) با عنوان «بازنگری در اکولوژی ژرفنگر: از انتقاد تا به هم پیوستگی^{۱۰}»، بوده که به تجزیه و تحلیل انتقادهای مطرح شده در خصوص اکولوژی ژرفنگر و پاسخ به آن‌ها می‌پردازد و در انتها نظرات شخصی خود را در جهت بازنگری در اکولوژی ژرفنگر بیان می‌کند. از دیگر پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه اکولوژی ژرفنگر می‌توان به «جنبش اکولوژی ژرفنگر: منشأ، توسعه و چشم‌انداز آینده (به سوی فلسفه زیست‌محیطی فراشخصی)^{۱۱}» نوشته آلن درنگسون^{۱۲}، بیل دیوال، مارک اسکروول^{۱۳} (۲۰۱۱)، «اکولوژی برای

در این راستا اکولوژی ژرفنگر^۱ به عنوان رویکردی کل‌نگر در این پژوهش مورد امکان‌سنجی قرار گرفته و در روستای صراخیه واقع در محدوده تالاب شادگان به صورت موردی بررسی شده است. قرارگیری روستای صراخیه به عنوان یک مجتمع زیستی در مجاور تالاب تعامل میان انسان و طبیعت پیرامونش را به خوبی نمایش می‌دهد. سبک زندگی و امرامعاش جوامع محلی این روستا متأثر از تالاب بوده و از این رو صراخیه دارای پتانسیل‌های طبیعی و فرهنگی بسیاری است؛ ولی امروزه با تخریب‌های صورت گرفته در حوزه تالاب شادگان، تعادل میان طبیعت و ساکنان آن برهم خورده و از مشکلات زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بسیاری رنج می‌برد.

از این رو این مقاله به دنبال پاسخگویی به سؤال زیر است:

۱. اکولوژی ژرفنگر چیست و چگونه می‌توان از این رویکرد و پایه‌های آن در جهت ارتقای کیفی منظر جوامع زیستی حاشیه تالاب‌ها بهره‌مند شد؟

پیشینه تحقیق

از جمله نخستین مقالات چاپ شده در زمینه اکولوژی ژرفنگر، توسط آرن نایس^۲ (۱۹۷۳) با عنوان «سطحی و ژرف: جنبش اکولوژی دوربرد^۳» است. وی در این مقاله به نقد اکولوژی سطحی‌نگر پرداخته و با معرفی اکولوژی ژرفنگر به عنوان یک رویکرد کل‌نگر، ایجاد پیوستگی و ارتباط متقابل میان انسان و طبیعت را در جهت حفاظت طبیعت ضروری می‌داند. پس از آرن نایس، مطالعات بسیاری در این زمینه

۴. George Sessions: استاد فلسفه در دانشگاه کالیفرنیا و مهم‌ترین چهره جنبش اکولوژی ژرفنگر پس از آرن نایس بود. از جمله آثار وی در این زمینه «اکولوژی ژرفنگر برای قرن بیست و یکم» (۱۹۹۵) است.

5. Basic principle of Deep Ecology
6. Deep ecology for the twenty first centur
7. Bill Devall
8. Deep ecology : living as if nature mattered
9. Chelsea L. Welker
10. Rethinking Deep Ecology: from critique to synthesis
11. The Deep Ecology Movement: Origins, Development, and Future Prospects (Toward a Transpersonal Ecosophy
12. Alan Drengson
13. Mark A. Schroll

1. Deep Ecology
2. Arne Naess
3. The shallow and the deep, long-range movement

نظرات اندیشمندان در خصوص این رویکرد و بررسی ارتباط میان انسان و طبیعت از دیدگاه اکولوژی ژرف نگر است و کمتر پژوهشی را می توان یافت که به صورت کاربردی به بررسی اکولوژی ژرف نگر در طراحی منظر (در این پژوهش تالابها) و ارائه راهکارهایی مؤثر بپردازد؛ بنابراین در این پژوهش سعی شده تا با بهره گیری از رویکرد اکولوژی ژرف نگر به راهکارهایی کاربردی در زمینه ارتقای کیفی منظر جوامع زیستی حاشیه تالابها دست یافت.

چه کسی؟ اکولوژی ژرف نگر و مرگ انسان محوری^{۱۴}»، نوشته اورلاندو خوزه فرر مونتائو^{۱۵} (۲۰۰۶)، «اکولوژی ژرف نگر مبحثی در خصوص نقش انسان در محیط زیست^{۱۶}»، نوشته وندی آمبروسیوس^{۱۷} (۲۰۰۵)، «اکولوژی ژرف نگر، حفاظت نوین و دیدگاه عصر انسانی^{۱۸}» نوشته جرج سیئنز (۲۰۱۴) و... اشاره کرد. در کنار مقالات و کتابهای چاپ شده در جهت حمایت و گسترش رویکرد اکولوژی ژرف نگر، برخی از متفکران و اندیشمندان انتقاداتی را از اکولوژی ژرف نگر مطرح کرده اند که اغلب از جانب حامیان این رویکرد پاسخ داده شده است. جدول ۱ خلاصه ای از آرا و نظریات حامیان و منتقدان اکولوژی ژرف نگر را نشان می دهد. مقالات و پژوهش های انجام شده در خصوص اکولوژی ژرف نگر در ایران بسیار محدود است و تنها پژوهش یافته شده مقاله دکتر تقوایی (۱۳۸۷) با عنوان «اکولوژی ژرف نگر و دانش ضمنی: تأویل مفهوم دانش ضمنی محیطی در معماری منظر^{۱۹}» است. نویسنده در این مقاله نتیجه می گیرد که آنچه اکولوژی ژرف نگر در خصوص ارتباط با طبیعت مطرح می کند، شباهت بسیاری با سنتها و باورهای ایرانیان در خصوص احترام به طبیعت دارد؛ بنابراین توجه به دانش ضمنی، اکولوژی ژرف نگر و زیبایی شناختی اکولوژیکی را برای پرورش رابطه انسان - طبیعت ضروری می داند. جمع بندی مطالعات صورت گرفته از پیشینه تحقیق بیانگر این امر است که اکثر پژوهش های انجام شده در داخل و خارج کشور در زمینه شناخت و معرفی کلی اکولوژی ژرف نگر، ریشه های شکل گیری، بیان و نقد

14. Ecology for Whom? Deep Ecology and the Death of Anthropocentrism

15. Orlando José Ferrer Montaña

16. Deep Ecology: A Debate on the Role of Humans in the Environment

17. Wendy Ambrosius

18. Deep Ecology, New Conservation, and the Anthropocene Worldview

19. Tacit Knowledge and Deep Ecology: A Hermeneutic Approach to the Concept of Tacit Environmental Knowledge in Landscape Architecture

جدول ۱. آرا و نظریات اندیشمندان و متفکران در خصوص اکولوژی ژرفنگر،

آرا و نظریات	سال انتشار	مقالات و کتابها	اندیشمندان و متفکران
تفکر اکولوژی ژرفنگر یک اصلاح جزئی در جامعه کنونی ما نیست، بلکه یک جهت‌گیری و جنبش جدید و مهم در خصوص کل بشریت است (Naess, 1989: 45).	۱۹۸۹	اکولوژی، اجتماع، سبک زندگی: طرحی کلی از اکوسوفی ^{۲۰}	آرن نایس
اکولوژی ژرفنگر به‌عنوان راهی در جهت ایجاد تعادل و هماهنگی جدید میان اجزا، جوامع و همه طبیعت در حال ظهور است (Devall & Sessions, 1985: 7). مبانی اکولوژی ژرفنگر بینش اساسی و تجربه خود ما و طبیعت است که آگاهی اکولوژیک را شامل می‌شود (Devall & Sessions, 1985: 65). آگاهی اکولوژیک و اکولوژی ژرفنگر با دیدگاه غالب جوامع صنعتی که انسان را منزوی و اساساً جدا از بقیه طبیعت، برتر از بقیه خلقت می‌داند، در تضاد است (Devall & Sessions, 1985: 65).	۱۹۸۵	اکولوژی ژرفنگر: زندگی به شیوه‌ای که طبیعت اهمیت دارد	بیل دیوال، جرج سیژنز
اکولوژی ژرفنگر به‌عنوان یک جریان اجتماعی که بر ارزش‌های ذاتی موجود در جهان طبیعت تأکید دارد، ایجاد شده است. از نظر مفهوم، اکولوژی ژرفنگر به‌عنوان یک بینش و گرایش و حس احترام نسبت به جهانی فراتر از انسان‌هاست. در این مفهوم اکولوژی ژرفنگر نه تنها جنبشی خارج از ادیان موجود در جهان نیست، بلکه با آن‌ها مرتبط نیز است (Barnhill & Gottlieb, 2001: 17).	۲۰۰۱	اکولوژی ژرفنگر و ادیان جهانی: تألیفی جدید بر پایه روحانیت ^{۲۳}	راجر گاتلیب ^{۲۱} و دیوید برن هیل ^{۲۲}
اکولوژی ژرفنگر، جنبشی است که برای سیستم‌های اکولوژیک بیشتر از انسان‌ها ارزش قائل است (Barbeau Gardiner, 2007: 179). در این جنبش، طبیعت‌محوری در مقابل انسان‌محوری قرار دارد. در انسان‌محوری، انسان به‌تنهایی دارای ارزش غیرقابل‌تنزل بوده و به‌عنوان سیمای خداوند بر روی زمین دارای سرنوشتی جاودانه است (Barbeau Gardiner, 2007: 180). هدف این جنبش نه تنها رشد صفر درصدی جمعیت، بلکه کاهش قابل‌توجه جمعیت در سیاره زمین است (Barbeau Gardiner, 2007: 182).	2007	اکولوژی ژرفنگر و فرهنگ فنا ^{۲۵}	آن باربو گاردینر ^{۲۴}
اکولوژی ژرفنگر سیاه‌چاله‌ای از ایده‌های نیمه‌هضم، بدشکل و خام است... اکولوژی ژرفنگر این واقعیت را نشان می‌دهد که ما با مجموعه‌ای از ایده‌های روشن روبه‌رو نیستیم، بلکه با گودالی از انواع مفاهیم مبهم روبه‌رو هستیم (Bookchin, 1987: 5). اکولوژی ژرفنگر شعار هیچ‌چیز پاک‌تر و سالم‌تر از این که «همه ما یکی هستیم» را می‌دهد. در حالی که این تعریف تمام تمایزات غنی و معناداری را که نه تنها میان جوامع حیوانی و گیاهی، بلکه بیشتر از هر چیز بین جوامع انسانی و غیرانسانی وجود دارد، از بین می‌برد (Bookchin, 1987: 8).	۱۹۸۷	اکولوژی اجتماعی در مقابل اکولوژی ژرفنگر: چالشی برای جنبش اکولوژیک ^{۲۷}	موری بوکچین ^{۲۶}

(منبع: نگارندگان، برگرفته از: Nae, 1989; Devall & Sessions, 1985; Fox, 1984; Barnhill & others, 2001; Barbeau, 2007; Bookchin, 1987)

(Bookchin, 1987)

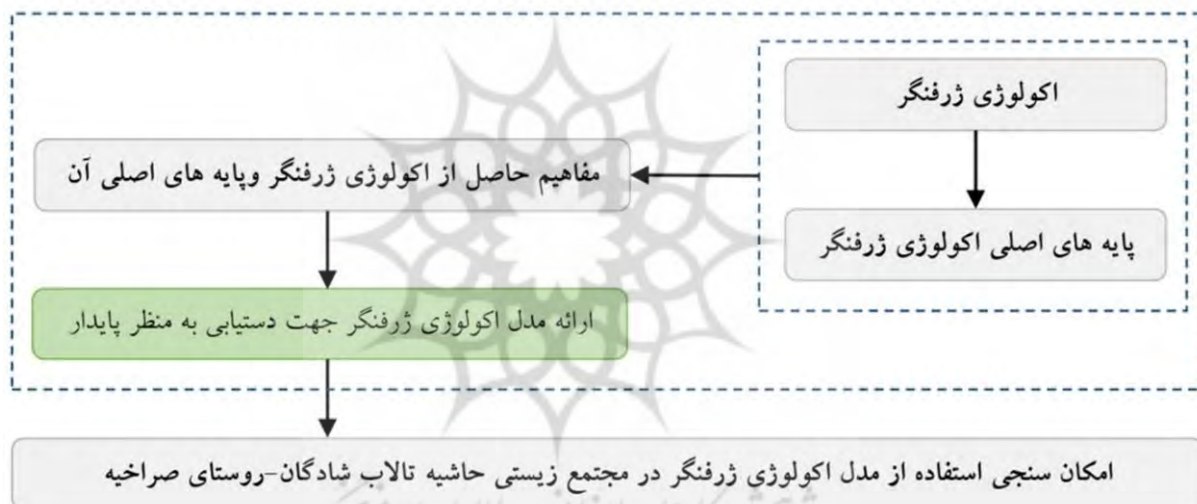
20. Ecology, Community and Lifestyle: Outline of an Ecosophy
21. Roger Gottlieb
22. David Barnhill
23. Deep ecology and world religions: new essays on sacred ground
24. Anne Barbeau Gardiner
25. Deep Ecology and the culture of Death
26. Murray Bookchin
27. Social Ecology versus Deep Ecology: A Challenge for the Ecology Movement

روش تحقیق

نوع پژوهش براساس هدف، کاربردی-عملی و روش آن براساس ماهیت، توصیفی-تحلیلی از نوع مطالعه موردی است. در این پژوهش ابتدا مبانی نظری از طریق مطالعات کتابخانه‌ای استخراج می‌شود و سپس با بررسی آسیب‌شناسانه منطقه از طریق مطالعات میدانی و تحلیل قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات آن و با بهره‌گیری از روش PAKILDA²⁸ به ارائه راهکارهای مناسب در محدوده مورد مطالعه پژوهش می‌پردازد.

مدل انجام تحقیق

این پژوهش به روش اسنادی و طبق نمودار شماره ۲ انجام شده است؛ بدین صورت که ابتدا به معرفی اکولوژی ژرف‌نگر و اهداف این رویکرد پرداخته، سپس ۸ پایه اصلی اکولوژی ژرف‌نگر، مفاهیم و نتایج حاصل از هر یک بیان شده و در مرحله بعد سعی شده تا از طریق مفاهیم حاصل از این ۸ پایه، مدلی در جهت دستیابی به منظر پایدار ارائه شود. در نهایت این مدل در جهت دستیابی به اهداف این پژوهش مورد سنجش قرار گرفته است.



نمودار ۲. مدل پژوهش

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹)

28. The Pattern Assisted Knowledge Intensive Landscape Design Approach:

رویکرد طراحی منظر دانش‌محور با بهره‌گیری از الگوها و نقشه‌هاست. در این روش مناظر به‌عنوان الگوهایی تجزیه و تحلیل شده و به صورت دیگرام‌هایی نمایش داده می‌شوند (gardenvisit.com, 2020).

مبانی نظری تحقیق

رویکرد کل نگر در معماری منظر

«از دهه ۱۹۶۰ نگرانی جوامع نسبت به مشکلات زیست محیطی گسترش یافت و سؤالات عمیق تری در خصوص بحران‌های ایجاد شده مطرح شد. بسیاری از افراد دریافتند که جنبش زیست محیطی و اکولوژیکی صرفاً از طریق رویکردهای علمی و محیطی امکان پذیر نیست، بلکه به رویکردهایی فلسفی، معنوی و اجتماعی همراه با آن نیاز است» (تقوایی، ۱۳۹۱: ۱۲۰). براساس این عقاید «ما جدا از طبیعت نبوده، بلکه بخشی از آن در نظر گرفته می شویم... انسان‌ها نیاز دارند که از طبیعت یاد بگیرند، به زمین گوش بسپارند، روح خود را در ارتباط با سرزمین‌های بکر، گیاهان و جانوران احیا کنند و مهم تر از همه حس احترام به زمین را ارتقا بخشند» (Udall, 1963: 12). چنین نظراتی منجر به «ایجاد فعالیت‌هایی میان رشته‌ای و تخصص‌های نوین تری شد که با جامع‌گرایی بیشتری به مسائل توجه می‌کردند. در حوزه هنر، معماری، برنامه‌ریزی و شهرسازی، فعالیت‌های معماری منظر همراه با کل‌نگری راهبردها و جامع‌گرایی بیش از گذشته و نیز متکی بر واقعیت‌های اجتماعی، ارزش‌های محلی و زمینه‌های فرهنگی توسعه یافته است» (تقوایی، ۱۳۹۱: ۱۲۰).

از جمله رویکردهایی که با هدف آگاه‌سازی جوامع، ایجاد جنبش‌های اجتماعی در حل مسائل زیست محیطی و ارتقای رابطه انسان و طبیعت مطرح و بعدها در حوزه‌هایی همچون معماری منظر وارد شد، رویکرد اکولوژی ژرف‌نگر بود.

مفهوم اکولوژی ژرف‌نگر

«اصطلاح اکولوژی ژرف‌نگر برای اولین بار توسط یک فیلسوف نروژی با نام آرن نایس و در یک مقاله انگلیسی زبان معروف با عنوان سطحی و ژرف، جنبش

اکولوژیکی دوربرد و در سال ۱۹۷۳ به کار برده شد» (Callicott & Frodeman, 2009: 206). «نایس رویکرد خود نسبت به اکولوژی را ژرف می‌نامد؛ زیرا سؤالات عمیق تر و ژرف تری درباره رابطه انسان با طبیعت و محیط زیست مطرح می‌کند» (Rothenberg, 1987: 185).

وی در مقاله خود به بررسی تمایز میان اکولوژی ژرف‌نگر و اکولوژی سطحی نگر که تا پیش از دهه ۱۹۶۰ بر برنامه‌ریزی‌های زیست محیطی و طراحی منظر حاکم بود پرداخت. «نایس هدف از راهکارهای اکولوژیکی و زیست محیطی رویکرد سطحی نگر در مبارزه با آلودگی‌ها و کاهش منابع طبیعی را صرفاً ارتقا سلامتی و بهداشت، ثروت‌افزایی در کشورهای پیشرفته و سودبخشی به انسان‌ها بیان کرده و در مقابل به معرفی اکولوژی ژرف‌نگر به‌عنوان رویکردی کل‌گرا می‌پردازد که در آن انسان دارای ارزش ذاتی برابر با سایر موجودات بوده و در ارتباط و پیوستگی متقابل با سایر اجزای طبیعت قرار دارد و هدف از حفظ طبیعت نه صرفاً رفع نیازهای مادی انسانی بلکه اهمیت بخشی به همه عناصر موجود در طبیعت است (همان).

به عبارت دیگر، «اکولوژی ژرف‌نگر انسان‌ها را از محیط خارجی جدا نمی‌سازد. این علم دنیا را به‌عنوان مجموعه‌ای از اشیا مجزا نمی‌بیند، بلکه به‌عنوان شبکه‌ای از پدیده‌ها که اساساً مرتبط و وابسته هستند، در نظر می‌گیرد. اکولوژی ژرف‌نگر ارزش‌های ذاتی همه موجودات زنده را در نظر می‌گیرد و انسان‌ها را به‌عنوان گونه خاصی در شبکه زندگی می‌بیند» (Hoy, 2000: 94). در واقع «اکولوژی ژرف‌نگر از سطوح علمی فراتر رفته و به سطحی از خرد و حکمت‌اندیشی در زمین رسیده است؛ به گونه‌ای که به مشکلات زیست محیطی با دیدگاهی جامع و با توجه به ابعاد معنوی و فلسفی آن می‌نگرد» (Bill Devall & George Sessions, 1985).

اولین اصل اکولوژی ژرف نگر حاوی نکات مهمی است. مهم ترین بخش آن این است که همه موجودات از جمله انسان و غیرانسان دارای ارزش ذاتی بوده و بنابراین حق حیات دارند. اساساً برای همه حقی وجود دارد. حقی برای زندگی، شکوفایی، تکامل، احیا، بازتولید و... . شایان ذکر است که عبارت زندگی در اینجا به صورت جامع و غیر از مفهوم زیست شناسی آن به کار برده شده است، به گونه ای که موجودات زنده و غیرزنده را شامل می شود. همان گونه که نائس مطرح می کند، «موجودات غیرزنده اعم از حوزه های آبریز، مناظر طبیعی، اکوسیستم ها، فرهنگ ها و... نیز دارای ارزش ذاتی بوده و می بایست مورد بررسی قرار گیرند» (Naess, 2010: 112).

پایه دوم - غنا و تنوع اشکال زندگی

«غنا و تنوع اشکال زندگی به تحقق این ارزش ها کمک می کنند» (Naess, 1986: 14). دومین اصل به اهمیت تنوع زیستی در جهان اشاره دارد. اکولوژی ژرف نگر تنوع، همزیستی و ارتباط متقابل میان اجزا را به منظور ادامه حیات در جهان ضروری می داند؛ به عبارت دیگر اکولوژی ژرف نگر جهان را به صورت یک واحد و یک کل در نظر گرفته که در آن همه موجودات به یکدیگر وابسته بوده و در تعامل با یکدیگر به سر می برند. با توجه به این اصل انسان نیز به عنوان جزئی از نظام جهان پیرامون خود به شمار می آید که برای ادامه حیات به سایر اجزا نیازمند بوده و نمی توان آن را به عنوان موجودی مجزا در نظر گرفت.

پایه سوم - نیازهای حیاتی

«انسان ها حق کاهش این ثروت و تنوع اشکال زندگی را ندارند، مگر برای رفع نیازهای حیاتی» (Naess, 1986: 14).

اصل سوم بیان می کند که انسان ها صرفاً برای رفع نیازهای حیاتی می توانند از محیط پیرامون خود

درواقع نایس و سایر حامیان اکولوژی ژرف نگر معتقدند که دیدگاه اکولوژیکی موجود در عصر مدرن دیدگاهی سطحی نگر بوده که میان انسان و طبیعت تفاوت قائل شده و هدف آن ها از حفظ حیات وحش و تنوع زیستی همواره با بهره برداری بیشتر از طبیعت در جهت رفع نیازهای مادی انسان ها گره خورده است؛ این در حالی است که «ایده اکولوژی ژرف نگر با هدف گسترش تعادل و هماهنگی جدید میان انسان و طبیعت و همچنین افراد و جوامع در حال ظهور است» (Taghvaei, 2008: 117). «هدف رویکرد ژرف نگر دستیابی به تحول اساسی در زمینه های اکولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی، اقدامات جمعی و شیوه زندگی است» (Drengson, 1995: 61-79).

هشت پایه اصلی اکولوژی ژرف نگر^{۲۹}

«در سال ۱۹۸۴، نائس و سیژنز^۶ یک سری از نکات را به عنوان پایه های اولیه اکولوژی ژرف نگر تنظیم و ارائه کردند. این نکات به عنوان نظراتی در نظر گرفته می شدند که حامیان دیدگاه اکولوژی ژرف نگر به طور کلی بر سر آن ها توافق داشتند. در واقع طرح و پایه اکولوژی ژرف نگر شامل ۸ پایه و دستورالعمل برای اصلاح تفکر در خصوص تعامل و بهره مندی از محیط زیست است» (Ambrosius, 2005: 2).

پایه اول - ارزش ذاتی

«سلامت و شکوفایی زندگی جوامع انسانی و غیرانسانی بر روی کره زمین به خودی خود ارزشمند است (که شامل ارزش ذاتی یا درونی است). این ارزش مستقل از سودمندی جهان غیرانسانی برای اهداف انسانی است» (Naess, 1986: 14).

۲۹. در این پژوهش از عبارت پایه های ۸ گانه اکولوژی ژرف نگر به عنوان معادل پلتفرم ۸ گانه استفاده شده است.

بهره‌برداری کنند و حق آسیب‌رساندن به آن را ندارند. آنچه که در این اصل می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، تنوع و گوناگونی نیازهای انسان با توجه به شرایط زمانی، مکانی، روحی، جسمی و... مختلف است. در حالی که برخی انسان‌ها طبیعت را به‌عنوان پناهگاهی در جهت رفع نیازهای روحی و ایجاد حس آرامش برمی‌گزینند، برخی دیگر طبیعت را به‌عنوان منبعی در جهت تأمین خوراک، پوشاک و سرپناه در نظر می‌گیرند؛ بنابراین نیازهای حیاتی انسان بسته به شرایط مختلف طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود و نمی‌توان نیازهای انسان را صرفاً به جنبه‌های مادی یا جنبه‌های معنوی خلاصه کرد.

پایه چهارم - جمعیت

«شکوفایی زندگی و فرهنگ انسان‌ها با کاهش قابل توجه جمعیت انسان‌ها سازگار است. شکوفایی زندگی غیرانسانی به چنین کاهش‌ی نیاز دارد» (Naess, 1986: 14).

اصل چهارم بیان می‌کند که افزایش جمعیت در یک محیط موجب افزایش فرسایش و میزان بهره‌برداری از آن محیط شده که این امر در درازمدت نه تنها سبب تخریب محیط‌زیست شده، بلکه برآورده‌سازی نیازهای حیاتی موجودات نیز با مشکل مواجه خواهد شد. در واقع این اصل بیانگر این مهم است که میزان حضور جوامع در یک محیط و بهره‌برداری از آن می‌بایست با توان و ظرفیت طبیعی آن محیط سازگار باشد.

پایه پنجم - دخالت انسان

«دخالت انسان در جهان غیرانسانی بسیار زیاد بوده و این موقعیت به سرعت در حال بدتر شدن است» (Naess, 1986: 14).

اصل پنجم مشخص می‌کند که ریشه مسائل و مشکلات زیست‌محیطی کجا هستند و آن چیزی

نیست جز دخالت انسان. اساساً انسان‌ها بخشی از طبیعت هستند و انتظار می‌رود که در محیط‌زیست دخیل باشند. با این وجود دخالت انسان رو به افزایش است و می‌بایست کنترل شود. «رالستان معتقد است که انسان‌ها به‌عنوان نمایندگان هوشمند از قوانین طبیعت که بر ما حاکم هستند استثنا نیستند... فرهنگ در انسان‌ها پدیدار می‌شود؛ ولی انسان‌ها به همان اندازه که در شهرها زندگی می‌کنند، بر روی زمین نیز زندگی می‌کنند. انسان‌ها باید در کامل‌ترین مفهوم وابسته به کل جهان باشند و هم در جهان و هم در شهر زندگی کنند» (Hoy, 2000: 98)؛ به عبارت دیگر، «انسان، بخشی از طبیعت است، منافع یکی به منافع دیگری و بالعکس ختم می‌شود... بر این اساس است که دستورهای اخلاقی و مذهبی مسئولیت‌نویسی را برای انسان در جهت حفاظت از محیط‌زیست در نظر می‌گیرد» (فهمی و مشهدی، ۱۳۹۰: ۲۱۱)؛ بنابراین مسئولیت ما نسبت به زمین، بیشتر از مسئولیت گونه‌های دیگر است. نمودار ۲ نحوه تعامل میان انسان و طبیعت را نشان می‌دهد.

پایه ششم - تغییر سیاست

«خط‌مشی‌ها می‌بایست تغییر کند. تغییر در خط‌مشی‌ها بر ساختارهای اصلی اقتصادی و تکنولوژیک تأثیر گذارند، در نتیجه وضعیت حاصل کاملاً متفاوت خواهد بود» (Naess, 1986: 14).

اصل ششم بیانگر این مهم است که حفظ محیط‌زیست نیازمند یک تحول اساسی در مدیریت و سیاست‌گذاری‌هاست. در واقع این اصل بیان می‌کند که «هدف از این رویکرد، ایجاد یک تغییر اساسی در ساختار اجتماعی، اقتصادی، تکنولوژیک، سیاسی، فرهنگی و... یک جامعه است» (Callicott & Frodeman, 2009: 206).

پایه هفتم - کیفیت زندگی

«اصل هفتم از یک سبک زندگی ساده حمایت می‌کند. اصل هفتم این واقعیت را بیان می‌کند که کیفیت زندگی می‌بایست به سطح بالاتری از نشاط به جای استاندارد بالاتر زندگی دست یابد؛ بدین ترتیب نیازهای انسان کاهش می‌یابد و سرزندگی بیشتری پدیدار می‌شود» (Ambrosius, 2005: 2).

«این رویکرد از فرهنگ‌های غیرصنعتی در برابر ته‌اجم جوامع صنعتی حفاظت می‌کند و همچنین بیان می‌کند که در ارائه راهبردها باید به زیرفرهنگ‌های هر جامعه توجه شود» (Sessions, 1995: 3). در واقع این اصل بیان می‌کند که برای داشتن یک زندگی با کیفیت بالاتر به جای توجه به استانداردهای موجود در جوامع غربی، می‌بایست به شیوه زندگی و فرهنگ موجود در هر جامعه توجه کرده و با ارائه یک سبک زندگی ساده و متناسب با فرهنگ جامعه به ارتقای سلامت و نشاط در زندگی کمک کرد.

پایه هشتم - ضرورت اقدام به عمل

«کسانی که به موارد ذکر شده باور دارند، می‌بایست در جهت ایجاد تغییرات، اقدامات مستقیم یا غیرمستقیمی را انجام دهند» (Naess, 1986: 14). آنچه که از این اقدام می‌توان استنباط کرد، آگاهی در خصوص زندگی و محیط زیست بهتر است. «اکولوژی ژرف‌نگر فقط برای زمین منظور نمی‌شود، بلکه برای ایجاد تغییرات جدید در کل جهان است. اساساً این فلسفه تلاشی به منظور دستیابی به دنیایی بهتر برای تمام موجودات و افراد است. این مهم می‌بایست توسط تمام انسان‌ها مورد تأیید قرار گیرد و با توجه به اصول و قوانین مربوط به موجودات زنده تئوری پردازی شود. به گونه‌ای که نه تنها مشکلات زیست‌محیطی، بلکه مشکلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و روابط انسانی نیز مورد بررسی قرار گرفته و حل شوند» (Ambrosius, 2005: 3).

به‌طور کلی آنچه که درباره پایه‌های ۸ گانه اکولوژی ژرف‌نگر مطرح شد را می‌توان در نمودار ۳ خلاصه کرد. این نمودار مفاهیم حاصل از هر پایه و تأثیر آن بر رابطه میان انسان و طبیعت را نشان می‌دهد. با توجه به نمودار ۳ می‌توان دریافت که اکولوژی ژرف‌نگر با تکیه بر ۸ پایه اصلی خود و همچنین با در نظر گرفتن انسان به عنوان عنصر هوشمند طبیعت، با نگاهی جامع به ارتباط میان انسان و طبیعت توجه کرده و ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای زیست‌محیطی و بهبود وضعیت اکولوژیک منظر، به نیازهای حیاتی جوامع انسانی هم از بُعد مادی و هم از بُعد معنوی پاسخ مناسب داده و با ایجاد رابطه‌ای متعادل میان انسان و طبیعت می‌تواند به عنوان رویکردی کل‌نگر در جهت دستیابی به منظر پایدار و ارتقای کیفی آن مؤثر واقع شود.



نمودار ۳. پایه های ۸ گانه اکولوژی ژرفنگر،

(منبع: نگارندگان برگرفته از، 14 Naess, 1986: 25 Comberti, et al, 2015)

ارائه مدل اکولوژی ژرفنگر

با مروری بر ادبیات تحقیق و با توجه به آنچه که در
نمودار ۳ ذکر شد، می توان توصیه ها و ارزش های مؤکد
بر پایه اکولوژی ژرفنگر در جهت تعامل و بهره مندی
درست از محیط زیست را در نمودار شماره ۴ ارائه

کرد^{۳۰}.

این توصیه ها از مفاهیم و پایه های ۸ گانه اکولوژی
ژرفنگر تهیه شده و در ادامه به منظور امکان سنجی در
سایت مورد پژوهش (روستای صراخیه) مورد استفاده
قرار می گیرد.

۳۰. این توصیه ها از طریق مطالعات کتابخانه ای و مصاحبه با نخبگان رشته
معماری منظر استخراج شده است.

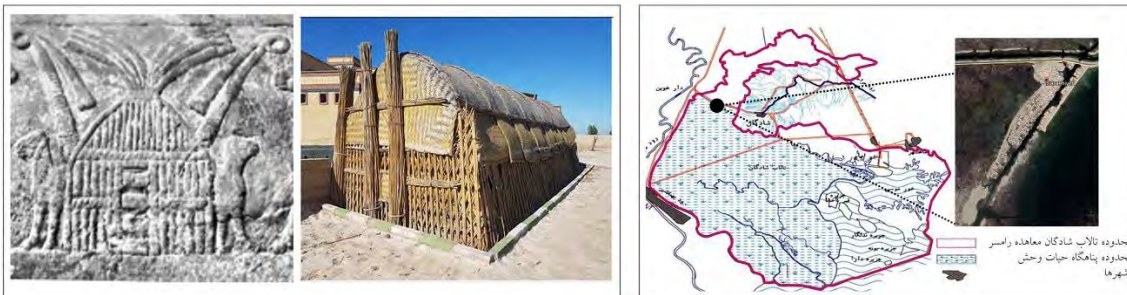


نمودار ۴. توصیه ها و ارزش های موکد بر پایه اکولوژی ژرفنگر،
(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹)

به طور کلی معیشت و اقتصاد روستای صراخیه وابسته به تالاب بوده و فعالیت هایی مانند دامداری، پرورش گاو میش، صیادی و قایقرانی را شامل می شود. شیوه زندگی خاص اهالی روستا در ارتباط با تالاب، بهره مندی از فرهنگی غنی و ساخت خانه ها و حصارهای نیلین از نیزارهای تالاب که قدمت آن ها به دوران پیش از تاریخ بازمی گردد (تصویر ۲)، از جمله ویژگی های منحصر به فرد این روستا است.

مورد پژوهش، روستای صراخیه در حاشیه تالاب شادگان

روستای صراخیه با جمعیت ۶۱۰ نفر در سال ۱۳۹۵ از توابع بخش مرکزی شهرستان شادگان در استان خوزستان است. این روستا از شرق با روستای رگبه همسایه بوده و از جهات دیگر به وسیله تالاب شادگان محدود شده است (تصویر ۱).



تصویر ۱. موقعیت روستای صراخیه، (منبع: مهندسین مشاور پندام، ۱۳۸۱)

تصویر ۲. مزیف و کتیبه‌های گلی سومریان، (منبع: UNEP, 2001: 21)

تالاب مؤثر باشد، امری ضروری است. در این راستا این پژوهش با بهره‌گیری از مدل اکولوژی ژرف‌نگر به ارائه راهبردها و راهکارهای پیشنهادی در روستای صراخیه می‌پردازد.

تحلیل سایت و ارائه راهبردها با مدل اکولوژی ژرف‌نگر

در تجزیه و تحلیل روستای صراخیه در جهت دستیابی به نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای روستا، لایه‌هایی از وضعیت موجود در قالب ۴ لایه: بیولوژیک (عناصر محیطی زنده و ارتباط میان آن‌ها، نقاط با ارزش اکولوژیک و...)، هیدرولوژیک (عناصر آبی، حریم تالاب، پساب‌ها و...)، کالبدی (کاربری‌ها و معابر) و سیما و منظر (دیدهای مطلوب و نامطلوب، لبه، گره، نشانه و...)، تهیه و در نهایت به منظور جمع‌بندی با هم‌پوشانی لایه‌ها بر روی یکدیگر به روش PAKILDA (تصویر ۳) و با مدنظر قراردادن مدل اکولوژی ژرف‌نگر راهبردهایی در جهت بهبود وضعیت بستر مورد مطالعه ارائه شد (جدول ۱).

علاوه بر جاذبه‌های فرهنگی، وجود گونه‌های متنوع پرندگان، مناظر طبیعی متأثر از مجاورت روستا با تالاب فرصت مناسبی را در جهت جذب گردشگر و اشتغال‌زایی فراهم خواهد آورد. با این حال در چند دهه اخیر «تغییر کاربری زیستگاه‌های طبیعی، تغییر در رژیم آب تأمین‌کننده تالاب مانند سدسازی، آلودگی ناشی از تخلیه انواع فاضلاب‌ها به درون تالاب و بهره‌برداری بی‌رویه از تولیدات بیولوژیک تالاب» (رحیمی‌بلوچی و ملک‌محمدی، ۱۳۹۲: ۱۰۱) از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده تالاب شادگان بوده و این امر نه تنها حیات وحش تالاب، بلکه زندگی جوامع محلی را که از ابعاد مختلف به تالاب وابسته هستند به خطر انداخته است. از سویی دیگر درون روستا نیز، عدم آگاهی مناسب جوامع محلی و گردشگران از ارزش‌های طبیعی و فرهنگی بستر، عدم وجود حمایت‌های مادی و معنوی در جهت نمایش این ارزش‌ها موجب کم‌رنگ‌تر شدن ارتباط افراد با طبیعت، از بین رفتن ارزش‌های روستا و کاهش کیفیت زندگی شده است؛ از این رو اتخاذ رویکردی کل‌نگر که بتواند ضمن حفظ ارزش‌های طبیعی بستر، ارزش‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی موجود در روستا را حفظ کرده و در بهبود وضعیت زندگی جوامع پیرامون



لایه سیما و منظر



لایه کالبدی



لایه هیدرولوژیکی



لایه بیولوژیکی



هم پوشانی لایه ها

تصویر ۳. لایه های کالبدی، سیما و منظر، هیدرولوژیک و بیولوژیک و هم پوشانی آن ها

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹)

جدول ۲. راهبردهای پیشنهادی براساس مدل اکولوژی ژرف‌نگر

راهبردهای پیشنهادی	توصیه‌ها و ارزش‌های مؤکد بر پایه اکولوژی ژرف‌نگر	
<p>افزایش آگاهی جوامع محلی در خصوص ارزش‌های موجود در بستر و حفاظت از آن‌ها ≠ حفظ و احیای ارزش‌های فرهنگی-معنوی و تاریخی موجود در سایت و تجلیل و نمایش این ارزش‌ها ≠ نمایش سبک و شیوه زندگی جوامع محلی، توسعه و ترویج ساده‌زیستی و زندگی سازگار با طبیعت ≠ افزایش آگاهی جوامع از ارزش‌های فرهنگی-معنوی و تاریخی موجود در بستر ≠ ارتقای کیفیت‌های زیبایی‌شناسی و حس مکان و تقویت نگاه معنوی انسان‌ها به طبیعت ≠</p>	<p>شناخت زیستگاه‌ها و فرایندهای طبیعی ≠ شناخت سبک و شیوه زندگی جوامع محلی و ساده‌زیستی ≠ شناخت ارزش‌های ذاتی طبیعت ≠ شناخت ابعاد زیبایی‌شناختی منظر ≠ شناخت ارزش‌های موجود در منظر شامل: فرهنگی-معنوی، اجتماعی و... ≠</p>	<p>شناخت</p>
<p>آموزش‌های زیست‌محیطی، حداقل میزان دخل و تصرف در طبیعت و استفاده از مواد و مصالح بومی ≠ حفظ و احیای زیستگاه‌های ارزشمند موجود در تالاب و فرایندهای طبیعی میان آن‌ها ≠ توجه به شرایط هیدرولوژی سایت و حفظ حریم تالاب، توجه به توان اکولوژیک بستر و بهره‌برداری متناسب با ظرفیت منظر ≠ بهبود اقلیم و تأمین آسایش محیطی، جلوگیری و کاهش میزان خشکسالی ≠ مدیریت و ساماندهی پساب‌ها و جلوگیری از آلودگی آب تالاب، کاهش آلودگی‌های هوایی، بصری و... ≠ محدودیت دسترسی به مناطق حفاظت‌شده و حفاظت از گونه‌های گیاهی و جانوری ≠ ارتقا و ترویج اخلاق زیست‌محیطی در میان جوامع ≠</p>	<p>حفاظت و احیای زیستگاه‌ها و فرایندهای طبیعی ≠ طراحی سازگار با طبیعت ≠ توجه به تقویت آگاهی زیست‌محیطی و رعایت اخلاق زیست‌محیطی ≠ توجه به ظرفیت و بُرد منظر ≠ توجه به تنوع، هم‌زیستی و ارتباط متقابل میان عناصر منظر ≠</p>	<p>برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های حفاظتی و توسعه‌ای</p>
<p>افزایش حس تعلق جوامع محلی به محیط پیرامون خود و افزایش ارتباط انسان‌ها با طبیعت ≠ بهبود وضعیت معیشت جوامع محلی، اشتغال‌زایی و رشد اقتصادی از طریق گردشگری ≠ پاسخگویی به نیازهای گردشگران و ایجاد خدمات گردشگری در جهت جذب گردشگر و توسعه صنعت اکوتوریسم ≠ ارائه حمایت‌های مادی و معنوی توسط سازمان‌های مربوطه، در جهت بهبود کیفیت زندگی جوامع محلی و جذب گردشگر ≠ افزایش میزان تعاملات و همکاری‌های اجتماعی و افزایش حس سرزندگی و نشاط در جامعه ≠ صرفه‌جویی در هزینه‌های حفظ و نگهداری از طبیعت و تصفیه آب ≠</p>	<p>توجه به اتقای رابطه انسان و محیط ≠ استفاده از مشارکت و اعتماد جوامع محلی ≠ توجه به اشتغال و درآمدزایی ذی‌نفعان ≠ توجه به برقراری عدالت اجتماعی ≠ توجه به رفاه و کیفیت زندگی جوامع ≠ تقویت مسئولیت‌پذیری جوامع نسبت به طبیعت ≠</p>	<p>نظارت و مشارکت ذی‌نفعان</p>

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹)

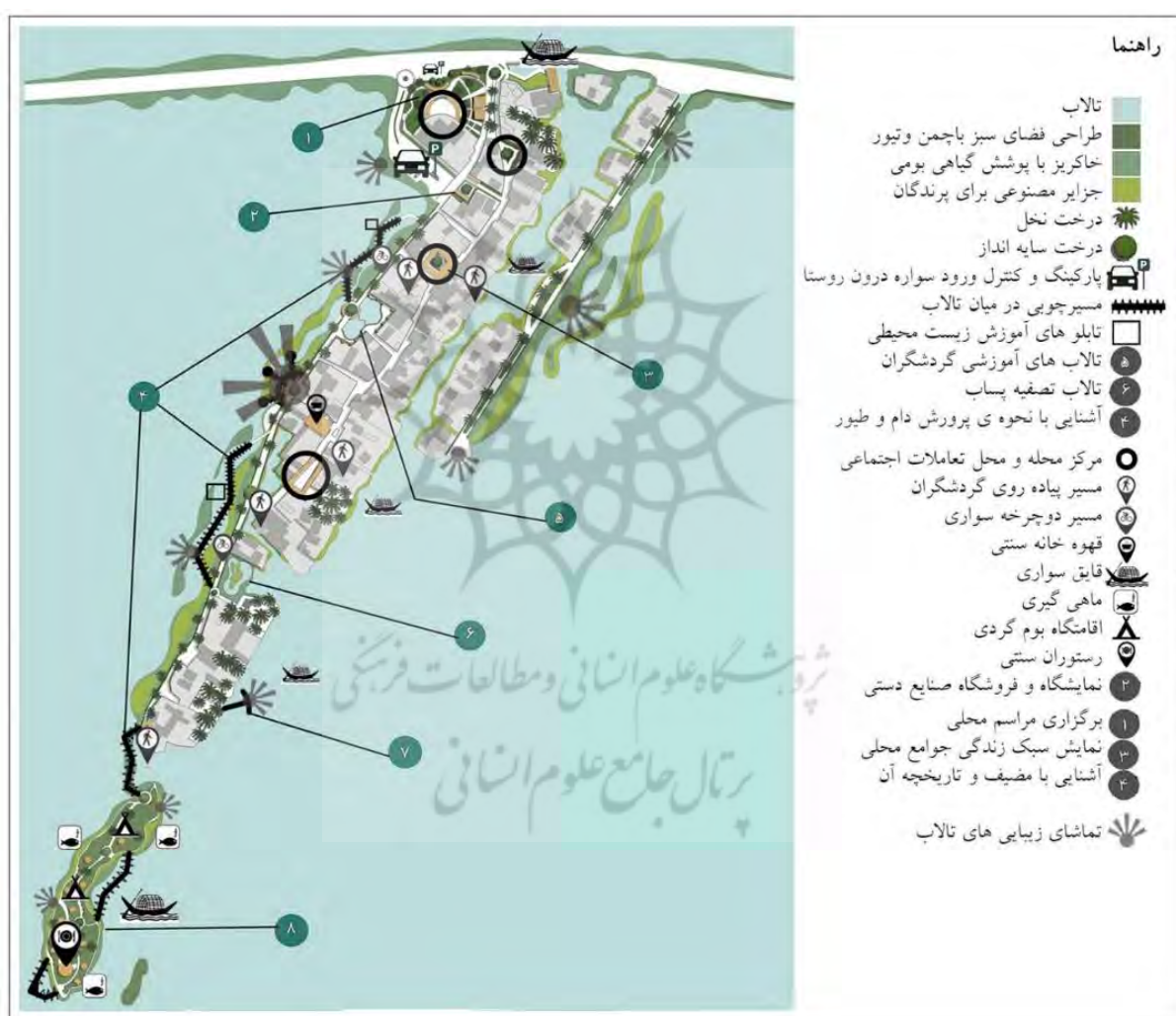
راهکارها و طرح پیشنهادی در روستای صراخیه

با توجه به راهبردهای مطرح‌شده به‌منظور ارتقای کمی و کیفی بستر مورد پژوهش، طرح پیشنهادی ارائه شده است. در زمینه بهبود وضعیت زیست‌محیطی راهکارهایی در جهت احیای بخش‌هایی از تالاب از طریق بهره‌گیری از پوشش‌های گیاهی بومی، خاکریزهای طبیعی و کانال‌های آب ارائه شده است.

همچنین با توجه به نبود سیستم فاضلاب مناسب در سایت و شرایط اقتصادی موجود، از روش تالاب مصنوعی به‌همراه گیاهان نی و لوئی در جهت کاهش ورود پساب‌های خانگی به تالاب پیشنهاد می‌شود. در کنار چنین راهکارهایی، طراحی مسیرهای گردشگری و مرکز محله در میان روستا، ایجاد نمایشگاه‌ها و فروشگاه‌های صنایع دستی، طراحی مسیرهای

تقویت تعامل و ارتباط معنوی انسان با طبیعت نیز می‌شود. قرارگیری مجموعه این راهکارها در کنار یکدیگر می‌تواند ضمن حفاظت از ارزش‌های زیست‌محیطی بستر شرایط مناسبی را در جهت زیست‌جوامع انسانی و غیرانسانی پیرامون تالاب فراهم آورده و در ارتقای کیفیت زندگی آن‌ها مؤثر باشد. تصویر ۳ مجموعه راهکارهای پیشنهادی را در قالب نقشه ارائه می‌دهد.

پیاپی‌روی و ایجاد چشم‌اندازهای مطلوب در میان تالاب، اقامتگاه‌های بوم‌گردی و رستوران‌ها با مصالح بومی و نی و همچنین اسکله‌های ماهیگیری و قایق‌سواری، نه تنها خدماتی را در جهت جذب گردشگر و اشتغال‌زایی فراهم می‌آورد، بلکه ارزش‌های فرهنگی-طبیعی موجود در بستر را به جوامع محلی و گردشگران یادآور شده و ضمن افزایش مشارکت اجتماعی در جهت حفاظت از این ارزش‌ها، موجب



تصویر ۴. راهکارهای پیشنهادی در جهت طراحی منظر روستای صراخیه براساس مدل اکولوژی ژرف‌نگر،

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹)

یافته‌های تحقیق

پیشنهادی در خصوص منظر مجتمع زیستی حاشیه تالاب، می‌توان راهکارهایی را در جهت ارتقای کیفی منظر روستای صراخیه در حاشیه تالاب شادگان در قالب جدول ۲ ارائه داد.

با توجه به مطالعات انجام‌شده در خصوص اکولوژی ژرف‌نگر، ارزش‌ها و توصیه‌های برآمده از آن، به‌منظور بهره‌مندی مناسب از محیط‌زیست و راهبردهای

جدول ۳. راهکارهای پیشنهادی در جهت ارتقای کیفی منظر مجتمع‌های زیستی حاشیه تالاب براساس مدل اکولوژی ژرف‌نگر،

توصیه‌ها و ارزش‌های مؤکد بر پایه اکولوژی ژرف‌نگر	راهکارهای پیشنهادی در منظر روستای صراخیه
شناخت	<ul style="list-style-type: none"> ≠ فضاهای مناسب و مسیرهای پیاده‌روی در میان تالاب به‌منظور آموزش و نمایش فرایندهای طبیعی و ارزش‌های تالاب به بازدیدکنندگان ≠ استفاده از حصارهای نئین به‌عنوان عنصر وحدت‌بخش در فضا و حفظ حریم خانه‌ها ≠ نمایشگاه در جهت معرفی ارزش‌های طبیعی و فرهنگی، صنایع دستی، خوراکی‌های محلی و... ≠ نمایش نحوه بهره‌برداری جوامع از درختان نخل / دامداری‌های خانگی و مشاغل مرتبط با تالاب ≠ سکوهایی برای تماشای غروب آفتاب، پرواز پرندگان، مناظر طبیعی و... ≠ برگزاری مراسم و آیین‌های خاص ساکنان روستا ≠ المان‌هایی در جهت خوانایی و تقویت هویت سایت ≠ ساخت خانه‌های نئین و مزیف‌ها و سایبان‌های حصیری به‌عنوان نمادی از معماری بومی روستا
برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های حفاظتی و توسعه‌ای	<ul style="list-style-type: none"> ≠ بهره‌گیری از مواد و مصالح بومی مانند نی ≠ ساخت جزیره‌هایی به‌عنوان پناهگاه و زیستگاه پرندگان ≠ استفاده از گیاهان بومی در ورودی‌ها، مسیرهای پیاده‌روی و زمین‌های بایر ≠ ایجاد خاکریزهای با پوشش گیاهی مناسب در جهت کنترل سیلاب و محدودیت دسترسی به تالاب ≠ زون‌بندی و ایجاد محدوده‌های حفاظتی به‌منظور جلوگیری از آسیب به زیستگاه‌ها و گونه‌های موجود در تالاب ≠ تالاب‌های مصنوعی در جهت تصفیه آب‌های آلوده
نظارت و مشارکت ذی‌نفعان	<ul style="list-style-type: none"> ≠ بهره‌گیری از جوامع محلی در ساخت خانه‌های نئین، آلاچیق‌ها، صنایع دستی و... ≠ استراحتگاه‌ها، رستوران‌ها و قهوه‌خانه‌ها به‌منظور خدمات‌رسانی به گردشگران با مصالح بومی ≠ آلاچیق‌هایی در میان تالاب و در مناطقی با ارزش اکولوژیک کمتر ≠ اسکله‌های ماهیگیری ≠ فضاهای جمعی در جهت افزایش تعاملات اجتماعی ≠ مبلمان مناسب مانند نیمکت، چراغ‌های روشنایی و... در فضاهای توقف و مسیرهای حرکتی

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹)

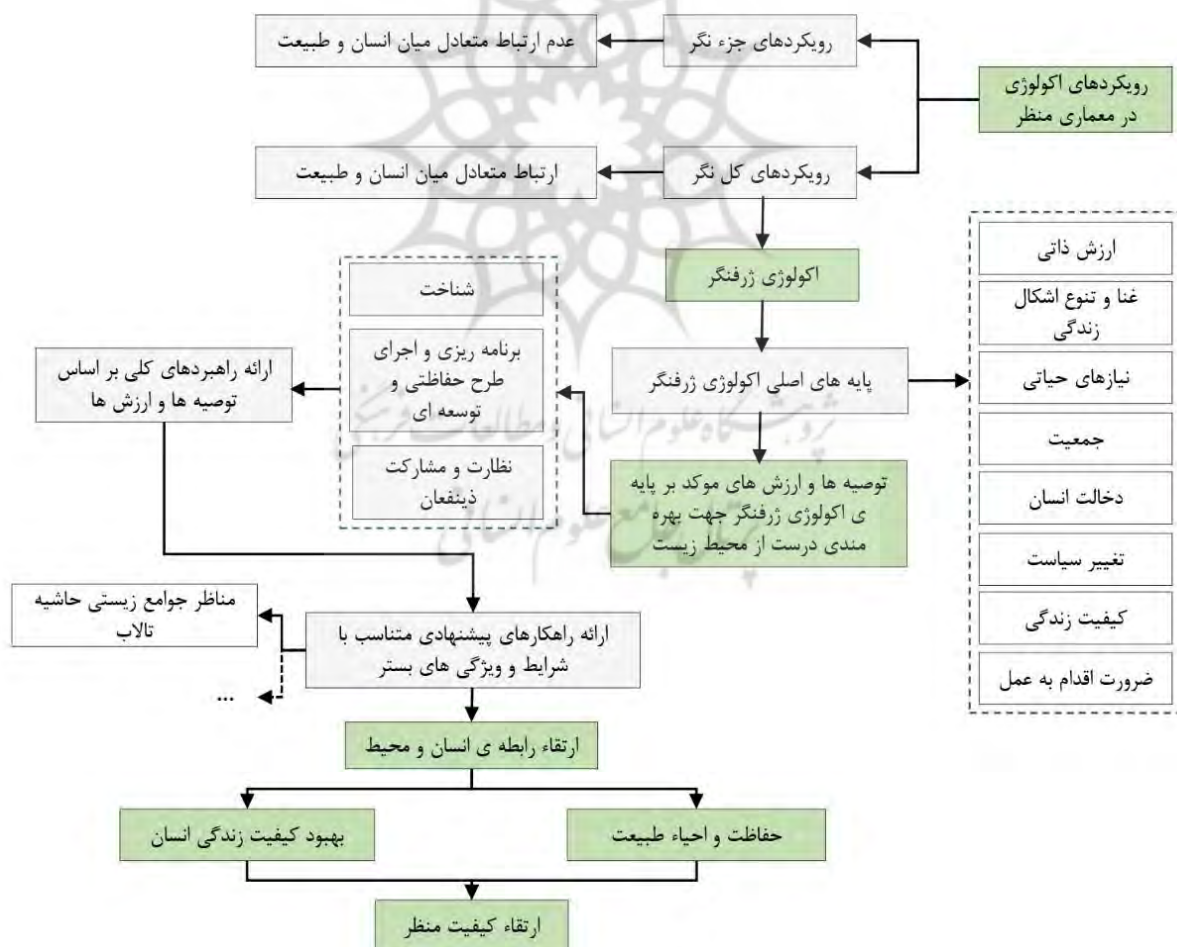
نتیجه‌گیری

توجه کمتری به مجتمع‌های زیستی وابسته به تالاب به‌ویژه انسان‌ها و تعاملات میان آن‌ها دارند. این امر در درازمدت نه‌تنها کیفیت زندگی جوامع پیرامون تالاب را کاهش می‌دهد، بلکه با کم‌رنگ‌شدن ارتباط میان انسان و تالاب موجب نابودی و تخریب آن نیز می‌شود؛ از این رو اتخاذ رویکردی جامع و کل‌نگر که بتواند ضمن

تالاب‌ها به‌عنوان یکی از ارزشمندترین مناظر طبیعی خدمات متنوعی را به جوامع پیرامون خود ارائه می‌دهند. در چند دهه اخیر تلاش‌های متعددی در زمینه بهبود وضعیت این اکوسیستم‌ها صورت گرفته که اغلب نگاهی کمی و بیولوژیک به این مهم داشته و

ارزش‌های فرهنگی و طبیعی بسیاری است، مورد امکان‌سنجی قرار گرفت و مشخص شد که اکولوژی ژرف‌نگر ضمن ارائه راهکارهایی در جهت بهبود وضعیت زیست‌محیطی تالاب، راهکارهایی را نیز در جهت جذب گردشگر و اکوتوریسم ارائه می‌دهد. این امر می‌تواند در کنار اشتغال‌زایی و بهبود معیشت جوامع محلی در آگاهی و آموزش زیست‌محیطی جوامع مؤثر بوده و با یادآوری ارزش‌های طبیعی و فرهنگی موجود در منظر تالاب نقش مؤثری را در حفظ این ارزش‌ها ایفا کند. نمودار ۴ خلاصه‌ای از فرایند دستیابی به ارتقای کیفی مناظر را براساس رویکرد اکولوژی ژرف‌نگر نشان می‌دهد.

حفاظت و احیای ارزش‌های زیست‌محیطی تالاب، به نیازهای جوامع پیرامون آن نیز توجه داشته و در بهبود کیفیت زندگی آن‌ها مؤثر باشد، ضروری است. در این پژوهش رویکرد اکولوژی ژرف‌نگر در جهت دستیابی به این مهم ارائه شد. اکولوژی ژرف‌نگر با تکیه بر ۸ پایه اصلی خود، به‌عنوان رویکردی کل‌نگر به همه ابعاد موجود در یک بستر توجه کرده و با ایجاد رابطه‌ای متعادل میان انسان و طبیعت می‌تواند مدل مناسبی را در جهت ارتقای کیفی منظر جوامع زیستی حاشیه تالاب‌ها در قالب ۳ مؤلفه شناخت، برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های حفاظتی و توسعه‌ای و نظارت و مشارکت ذی‌نفعان ارائه کند. این مدل در یکی از روستاهای حاشیه تالاب شادگان، روستای صراخیه، که دارای



تصویر ۹. فرایند دستیابی به ارتقای کیفی مناظر براساس رویکرد اکولوژی ژرف‌نگر

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹)

منابع

https://sites.google.com/site/zxmnc88jsgd3/kaory7jb_a234bbHYAB2103

Bookchin, M. 1987. Social ecology versus deep ecology: a challenge for the ecology movement". *Green Perspectives*, Institute for Social Ecology, 4(5), 1-22.

http://dwardmac.pitzer.edu/Anarchist_Archives/boochin/socecovdeepeco.html

Callicott, J. Baird & Frodeman, Robert. 2009. "Encyclopedia of Environmental Ethics and Philosophy". USA: Macmillan Reference.

<https://www.amazon.com/Encyclopedia-Environmental-Ethics-Philosophy-set/dp/0028661370>

Combetti, C., Thornton, T.F., Echeverria, V. Wyllie & Patterson, T. 2015. "Ecosystem services or services to ecosystems? Valuing cultivation and reciprocal relationships between humans and ecosystems". *Global Environmental Change*. Volume 34. Pp: 247-262. Elsevier Science Publishers.

<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0959378015300145>

Devall, Bill & Sessions, George. 1985. "Deep ecology: living as if nature mattered", United States: Gibbs Smith. Sage Publications, Inc.

<https://www.jstor.org/stable/26161821?seq=1>

Drengson, A. 1995. "The Deep Ecology Movement". *The Trumpeter. Journal of Ecosophy*. Vol. 12, No. 3. Elsevier Science Publishers B.V., Amsterdam. Pp: 61-79.

<https://www.jstor.org/stable/24882167?seq=1>

Ferré Montaña, Orlando José. 2006. "Ecology for Whom? Deep Ecology and the Death of Anthropocentrism". *Opción*, Volume 22, No. 50. Pp: 181 - 197. Universidad del Zulia Maracaibo, Venezuela.

https://www.researchgate.net/publication/26462199_Ecology_for_Whom_Deep_Ecology_and_the_Death_of_Anthropocentrism

Fox, Warwick. 1984. "Deep Ecology: A new philosophy of our Time?" *The Ecologist* 14(5,6). Macmillan Reference USA, Pp: 194-200.

<https://philpapers.org/rec/FOXDEA-2>

Gardiner, Anne Barbeau. 2007. "Deep Ecology and the Culture of Death". *Life and Learning XVII: Proceedings of the Seventeenth University Faculty for Life Conference at Villanova University*.

بمانیان، محمدرضا؛ احمدی، فریال. (۱۳۹۳). شاخص‌های طراحی منظر پایدار بر مبنای رویکرد اکولوژی منظر، همایش ملی معماری و منظر شهری پایدار، مشهد: مهرآز شهر.

https://www.civilica.com/Paper-ARCHCONF01-ARCHCONF01_086.html

تقوایی، سید حسن. (۱۳۹۱). معماری منظر درآمدی بر تعریف‌ها و مبانی نظری. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

حاج‌غنی، مهدیه؛ احمدی، فریال. (۱۳۹۴). مروری بر ادبیات اکولوژی منظر. *مجله منظر، پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر*، سال هفتم شماره ۳۲، صص ۶۵-۶۰.

http://www.manzar-sj.com/article_۱۴۰۱۴.html

رحیمی بلوچی، لیلا؛ ملک‌محمدی، بهرام. (۱۳۹۲). ارزیابی ریسک‌های محیط‌زیستی تالاب بین‌المللی شادگان بر اساس شاخص‌های عملکرد اکولوژیک. *مجله محیط‌شناسی، دانشگاه تهران*، سال سی‌ونهم، شماره ۱، صص ۱۰۱-۱۱۲.

<https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=195327>

فهیمی، عزیزالله؛ مشهدی، علی. (۱۳۹۰). ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط‌زیست (از رویکردهای فلسفی تا راهبردهای حقوقی). *فصلنامه علمی-پژوهشی، دانشگاه قم*، سال یازدهم، شماره ۱، صص ۲۱۶-۱۹۵.

<https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=123143>

مهندسین مشاور پندام. (۱۳۸۱). *محیط طبیعی بوم‌سازگان تالاب شادگان*، از مجموعه گزارش‌های مطالعات مدیریت زیست‌محیطی تالاب شادگان، پروژه بهسازی آبیاری ایران، وزارت جهاد کشاورزی.

Ambrosius, W. 2005. A Debate on the Role of Humans in the Environment". *UW-L Journal of Undergraduate Research VIII*. University of Wisconsin Lacrosse, Pp: 1-8.

<https://ogur.org/deepecologyadebate.pdf>

Barnhill, David Landis & Gottlieb, Roger, S. 2001. *Deep ecology and world religions: new essays on sacred ground*. Albany: State University of New York Press.

Sessions, George. 2014. "Deep Ecology, New Conservation, and the Anthropocene Worldview". The Trumpeter. Volume 30, Number 2 Athabasca University, Canada, Pp 106-114.

<http://trumpeter.athabasca.ca/index.php/trumpet/article/view/1404/1658>

Taghvaei, Hassan, 2008. "Tacit Knowledge and Deep Ecology: A Hermeneutic Approach to the Concept of Tacit Environmental Knowledge in Landscape Architecture". Environmental Sciences, ENVIRONMENTAL SCIENCES RESEARCH INSTITUTE, SHAHID BEHESHTI UNIVERSITY, Vol. 6, No. 1, Pp 111-122.

<https://www.sid.ir/en/Journal/ViewPaper.aspx?ID=142895>

Udall, Stewart L. 1963. "The Quiet Crisis". United States: Gibbs Smith.

<https://www.amazon.com/Quiet-Crisis-Classic-Reprint/dp/1331438691>

UNEP (2001). Partow, H. The Mesopotamian Marshlands: Demise of an Ecosystem. Early Warning and Assessment Technical Report, UNEP/DEWA/TR.01-3 Rev. 1. Division of Early Warning and Assessment United Nations Environment Programme Nairobi, Kenya.

https://books.google.com/books/about/Mesopotamian_Marshlands.html?id=otNNMwAACAAJ

Welker, Chelsea L. 2013. "Rethinking Deep Ecology: from critique to synthesis". For the Degree of Master of Arts Colorado State University. Advisor: Bradley J. Macdonald.

<https://mountainscholar.org/handle/10217/80295>

www.uffl.org/vol17/GARDINER07.pdf

HOY, T. 2000. "Toward a naturalistic political theory: Aristotle, Hume, Dewey, evolutionary biology, and deep ecology". London: Preager.

https://books.google.com/books/about/Toward_a_Naturalistic_Political_Theory.html?id=zBmDAAAMAAJ

Lister, N. M. 1994. "Biodiversity Conservation Planning in Canada". Doctoral Comprehensive Examination: Waterloo, Ontario: School of Urban and Regional Planning, Faculty of Environmental Studies, University of Waterloo.

Masnavi, M. R. 2013. "Environmental Sustainability and Ecological Complexity: Developing an Integrated Approach to Analyse the Environment and Landscape Potentials to Promote Sustainable Development". International Journal of Environmental Research. Volume 7, NO 4. Pp: 995-1006. University of Tehran.

https://ijer.ut.ac.ir/article_683_433e42e8e1a171c187_39396ef30e23bf.pdf

Naess, Arne. 1986. "The Deep Ecology Movement: Some Philosophical Aspects." Philosophical Inquiry 8. Pp: 10-31. Philosophy Documentation Center.

https://ijer.ut.ac.ir/article_683_433e42e8e1a171c187_39396ef30e23bf.pdf

Naess, Arne. 1989. "Ecology, Community, and Lifestyle: Outline of an Ecosophy". Translated: David Rothenberg. New York: Cambridge University Press.

<https://www.cambridge.org/core/books/ecology-community-and-lifestyle/62B63AA34792877E2EA0269585645C46>

Naess, Arne. 2010. "The Ecology of Wisdom". edited by Alan Drengson, and Bill Devall, United States of America: Counterpoint.

<https://www.amazon.com/Ecology-Wisdom-Writings-Arne-Naess-ebook/dp/B003XKN6BO>

Rothenberg, D., 1987. "A Platform of Deep Ecology". Boston University. Boston. Massachusetts. Volume 7. NO 3. Pp: 185-190.

<https://link.springer.com/article/10.1007/BF02233590>

Sessions, G. 1995. "DEEP ECOLOGY FOR TWENTY-FIRST CENTURY". London: Shambhala.

<https://www.amazon.com/Deep-Ecology-Twenty-First-Century-Environmentalism/dp/1570620490>